



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

رساله دکتری رشته تاریخ گرایش تاریخ محلی

تحلیل وضعیت نساجی در تحولات شهری اصفهان
(۱۳۴۵ - ۱۳۰۰ ش / ۱۹۶۶ - ۱۹۲۱ م)

استادان راهنما
دکتر مرتضی نورائی
دکتر لقمان دهقان نیری

استاد مشاور
دکتر حسین میرجعفری

پژوهشگر
عبدالمهدی رجائی

اسفند ۱۳۹۳

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر دست آوردهای
مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از پژوهش موضوع
این پایان نامه / رساله متعلق به دانشگاه اصفهان است.
دانشجو موظف به رعایت آیین نامه و منشور اخلاق در
پژوهش برای ارائه و یا چاپ مطالب مستخرج از پایان نامه /
رساله خود می باشد

سپاسگزاری

از زحمات بی‌دریغ و راهنمایی‌های ارزشمند اساتید راهنما: جناب آقای دکتر مرتضی نورائی و جناب آقای دکتر لقمان دهقان نیری، و استاد مشاور پایان‌نامه: جناب آقای دکتر حسین میرجعفری، کمال سپاس و تشکر را دارم. نیز از تمامی کتابداران در کتابخانه‌های مورد مراجعه و متصدیان مراکز اسنادی؛ سازمان اسناد ملی، مرکز اسناد نخست وزیری، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تشکر می‌نمایم.

چکیده

این پایان نامه پس از بررسی سیر صنعت نساجی در ایران دوره قاجار، و تبیین کوشش ناموفق مردم شهر اصفهان در تبدیل کارگاه‌های سنتی نساجی به کارگاه‌های صنعتی در این زمان، به دوره رضاشاه وارد می‌شود که در پرتو امنیت پیش آمده و حمایت‌های همه جانبه دولتی، و ایجاد بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری، تعداد نه کارخانه بزرگ نساجی در اصفهان شکل گرفتند. در دوره پهلوی دوم نیز تعداد یازده کارخانه دیگر اضافه شده و کارخانه‌های نساجی اصفهان به بیست کارخانه رسیدند. برای بررسی رابطه میان شهر و صنعت نساجی، ابتدا اوضاع صنعت نساجی در شهر اصفهان بررسی شده و فراز و فرود کارخانه‌های مذکور، در فاصله زمانی سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵، نشان داده شده است. در این میان بحران اقتصادی پیش آمده پس از جنگ جهانی دوم و واکنش‌های مختلف دولتی و غیر دولتی به آن، با مراجعه به اسناد و مطبوعات بیان شده است. پی آمد بحران اقتصادی، بیکاری و تعطیلی کارخانجات بود که خود بحران اجتماعی را به همراه داشت. با تذکر این حقیقت که بین ده تا پانزده هزار نفر کارگر به طور مستقیم با صنعت نساجی در ارتباط بودند، معلوم است این بحران اجتماعی تا چه حد شهر اصفهان را متلاطم می‌نموده است. نتیجه نهایی این بحران ها، تغییر مالکیت بیشتر کارخانه‌ها از بخش خصوصی، به بخش دولتی و بانک‌ها بود.

وجود و حضور کارخانه اثرات زیادی بر این خیل جمعیت کارگر بر جای می‌نهد. بیمه اجتماعی، آموزش سواد و آموزش‌های تخصصی، ورزش کارگران و موضوع مهم بهداشت و درمان آنها بخش‌هایی بوده است که در این پایان نامه مورد مذاقه قرار گرفتند. جنبش کارگری نیز در پی مطالبات صنفی و سیاسی خود بود که سیر تحول آن بررسی گردید. علاوه بر این اثرات نرم افزاری، به صورت سخت افزاری نیز کارخانه و شهر اصفهان تأثیر متقابلی بر یک دیگر بر جای نهادند. کارخانه‌های نساجی، تحت عنوان عوارض شهرداری، هزینه‌های انجام پروژه‌های عظیم شهرسازی از جمله خیابان‌کشی، و آسفالت خیابان‌ها را تأمین کردند. از سوی دیگر محلات کارگری توسط کارخانه‌ها و سازمان‌های وابسته صنعتی در اصفهان شکل گرفت که چهره شهر را دگرگون کرد. تأمین برق شهر و نیز برپایی آتش‌نشانی نیز تا حد زیادی مدیون کارخانه‌های نساجی هستند. اما کارخانه‌ها معضلات زیست‌محیطی خود را نیز به همراه داشتند. تا سال‌های زیاد فاضلاب کارخانه‌ها به رودخانه زاینده‌رود می‌ریخت و نیز چوب درختان شهر و اطراف، در کوره‌های کارخانه‌ها می‌سوخت. این اثرات متقابل کارخانه‌های نساجی و شهر اصفهان در این پایان‌نامه مورد بررسی قرار گرفته شده‌اند.

کلید واژه ها: اصفهان، صنعت نساجی، تحولات شهری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول؛ مفاهیم و کلیات
۱-۱	۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی
۳-۱	۲-۱. پیشینه و تاریخچه موضوع
۴-۱	۳-۱. اهداف تحقیق
۵-۱	۴-۱. اهمیت و ارزش تحقیق
۶-۱	۵-۱. سوالات تحقیق
۶-۱	۶-۱. فرضیه‌های تحقیق
۶-۱	۷-۱. روش تحقیق
۷-۱	۸-۱. شناخت، نقد و ارزیابی منابع
	فصل دوم؛ نساجی ایران در دوره قاجار
۱۵-۲	۱-۲. سیر صنعت نساجی در ایران عصر قاجار
۱۸-۲	۲-۲. تنبیهات و تشویقات دولتی
۲۰-۲	۳-۲. تجمیع سرمایه و تشکیل شرکت؛ پایه کار اقتصادی
۲۱-۲	۴-۲. علل عمده عدم تشکیل شرکت در ایران
۲۲-۲	۱-۴-۲. فقدان امنیت سرمایه گذاری (ترس از حکام)
۲۲-۲	۲-۴-۲. فقدان امنیت سرمایه گذاری (ترس از راهزنان)
۲۲-۲	۳-۴-۲. عدم وجود راه‌های مناسب
۲۲-۲	۴-۴-۲. خصوصیات ایرانی و فساد مالی
۲۶-۲	۵-۲. عدم آمادگی علمی و صنعتی برای داشتن کارخانه
۲۶-۲	۶-۲. کارخانه‌های ریسندگی دوره قاجار
۳۰-۲	۷-۲. دوره مظفری و تشکیل شرکت در ایران
۳۱-۲	۱-۷-۲. شرکت اسلامی؛ جهت گیری برای تولید
۳۳-۲	۸-۲. انقلاب مشروطیت و اقتصاد ملی
۳۲-۲	۹-۲. پایان کار نهضت خودکفایی
۳۵-۲	۱۰-۲. ورود به قرن جدید
۳۷-۲	۱۴-۲. بحث و ارزیابی
	فصل سوم؛ تأسیس کارخانه‌ها و صنعتی شدن نساجی

۳-۲-۱. پیش زمینه‌های ورود صنعت.....	۲۸
۳-۱. نقش دولت و قوانین موضوعه مجلس در شکوفایی اقتصادی.....	۳۹
۳-۲. عوامل محلی در رشد صنعت نساجی در اصفهان.....	۵۸
۳-۲-۱. کشت پنبه و تولید پشم.....	۵۹
۳-۲-۲. اصلاح پشم.....	۶۱
۳-۲-۳. آزاد شدن نیروهای انسانی.....	۶۱
۳-۲-۴. شونمان؛ مغز و مجری کارخانه ها.....	۶۳
۳-۲-۵. رضا افشار؛ حاکم سازنده.....	۶۵
۳-۳. کارخانه‌های نساجی اصفهان.....	۶۶
۳-۴. صنایع جانبی نساجی.....	۸۷
۳-۴-۱. تولید کاغذ بعد از لباس.....	۸۷
۳-۴-۲. شرکت‌هایی که فقط روی کاغذ ماندند.....	۸۸
۳-۵. مسأله سرمایه و سرمایه گذاری.....	۸۸
۳-۶. کارخانجات نساجی بعد از شهریور ۲۰.....	۸۹
۳-۷. جغرافیای صنعت نساجی در کشور و جایگاه اصفهان.....	۹۶
فصل چهارم؛ علل و پیامدهای بحران اقتصادی کارخانجات بعد از شهریور ۲۰	
۴-۱-۱. پایان جنگ جهانی و مشکل ارزانی بیش از حد پارچه و لباس.....	۱۰۲
۴-۲. حمله به مدیران کارخانجات و دلایل آن.....	۱۰۶
۴-۲-۱. فساد مدیران یکی از علل بحران در صنایع و شرکت ها.....	۱۰۹
۴-۳. کارخانجات در دوره ملی شدن صنعت نفت.....	۱۱۲
۴-۴. کارخانجات نساجی پس از کودتا؛ بازگشت به سیاست درهای باز.....	۱۱۳
۴-۵. بحران اجتماعی و توجه دولت ها.....	۱۱۷
۴-۶. بازگشت بحران.....	۱۱۸
۴-۷. راه حل دولت؛ تزریق نقدینگی.....	۱۱۹
۴-۸. بحران افزایش تولید؛ پی آمد تزریق نقدینگی.....	۱۲۱
۴-۹. علل بحران در آیینیه آمار.....	۱۲۱
۴-۱۰. کاهش میزان اعتبارات و مشکل کارخانجات.....	۱۲۲
۴-۱۱. دهه چهل و کارخانجات نساجی.....	۱۲۳
۴-۱۲. تشکیلات صنعتی دولت و سیر اقدامات آن.....	۱۲۶
۴-۱۳. موضوع مدیریت صنعتی.....	۱۲۸
۴-۱۴. ورود الیاف مصنوعی در صنعت نساجی.....	۱۳۰
فصل پنجم؛ تأثیر اجتماعی کارخانجات نساجی	
۵-۱. تعداد کارگران.....	۱۳۱
۵-۲. پایگاه اجتماعی کارگران.....	۱۳۳

۳-۵. زنان کارگر	۱۳۳
۴-۵. تشکیلات رفاهی کارخانه ها	۱۳۶
۱-۴-۵. نانوائی	۱۳۶
۲-۴-۵. شیرخوارگاه	۱۳۸
۳-۴-۵. شرکت تعاونی، حمام و سلمانی	۱۳۹
۵-۵. کارخانجات و امور خیریه	۱۳۹
۶-۵. امور رفاهی و حمایتی کارگران	۱۴۱
۱-۶-۵. قانون کار	۱۴۱
۲-۶-۵. بهداشت و درمان	۱۴۳
۱-۲-۶-۵. ساخت اولین بیمارستان کارگران	۱۴۴
۲-۲-۶-۵. بیمارستان ناتمام	۱۴۶
۳-۲-۶-۵. بیمارستان بزرگ دیگری برای کارگران	۱۴۷
۴-۲-۶-۵. درمانگاه‌های کارخانجات	۱۴۷
۳-۶-۵. بیمه اجتماعی کارگران	۱۴۷
۴-۶-۵. آموزش کارگران	۱۵۰
۵-۶-۵. آموزش حرفه ای کارگران	۱۵۱
۶-۶-۵. ورزش کارخانه ها	۱۵۳
۷-۵. جنبش‌های کارگری	۱۵۴
۱-۷-۵. جنبش‌های کارگری پس از شهریور ۲۰	۱۵۶
۲-۷-۵. حزب و جنبش کارگری	۱۶۰
۳-۷-۵. اتحادیه کارگران و پیشه وران (اسکی)	۱۶۱
۴-۷-۵. تشکیل وزارت کار و ورود دولت در روابط کارفرما و کارگر	۱۶۵
۵-۷-۵. انشعاب در اتحادیه کارگران و پیشه وران (اسکی)	۱۶۶
۶-۷-۵. جنبش کارگری اصفهان و تحولات کشوری	۱۶۷
فصل ششم؛ تأثیر متقابل شهر و کارخانه	۱۷۰
۱-۶. کارخانه‌های نساجی و شهرسازی	۱۷۰
۱-۱-۶. محلات کارگری	۱۷۷
۲-۱-۶. کوی کارگران	۱۷۸
۲-۶. برق شهر	۱۸۰
۳-۶. آتش نشانی	۱۸۴
۴-۶. سیمای شهری و دوچرخه ها	۱۸۴
۵-۶. معضل زیست محیطی صنعت	۱۸۵
۱-۵-۶. شرکت کاغذ مقدمه شرکت ذغال	۱۸۷
۶-۶. موضوع فاضلاب کارخانه‌ها	۱۸۹
نتیجه و ارزیابی	۱۹۳

فهرست شکل ها

عنوان	صفحه
شکل شماره ۱: نمودار ورود کالا و میزان آن بر اساس احصائیه‌های گمرک در سال ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹ م	۶۷
شکل شماره ۲: نمودار واردات کشور از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (۱۹۴۱ تا ۱۹۵۱ م)	۱۴۰
شکل شماره ۳: نمودار ورود پارچه‌های پنبه ای به کشور از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۲ (۱۹۳۴ تا ۱۹۵۳ م)	۱۵۶
شکل شماره ۴: نمودار ورود پارچه‌های پنبه ای به کشور از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۲ (۱۹۳۴ تا ۱۹۵۳ م)	۱۵۷
شکل شماره ۵: نمودار صادرات کشور در سال ۱۳۰۸ و مقایسه کالاهای صادراتی در سال ۱۳۰۸	۲۰۸
شکل شماره ۶: نمودار فزونی صادرات بر واردات در سایه قانون انحصار تجارت خارجی	۲۰۹

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول شماره (۱) صادرات و واردات کشور در سال‌های قبل و بعد از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی	۶۶
جدول شماره (۲) آمار واردات کشور در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ م	۶۶
جدول شماره (۳) میزان صادرات پنبه در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۶ بررسی سیاست‌های دولتی در کشت پنبه	۸۲
جدول شماره (۴) پراکندگی کارخانجات پنبه‌ای در کشور در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷	۱۳۲
جدول شماره (۵) پراکندگی کارخانجات پشمی در کشور در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷	۱۳۳
جدول شماره (۶) واردات کشور از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲ (۱۹۴۱ تا ۱۹۵۱ م)	۱۳۹
جدول شماره (۷) ورود پارچه‌های پنبه‌ای از سال ۱۳۱۳ الی ۱۳۳۲ (۱۹۳۴ تا ۱۹۵۳ م)	۱۵۶
جدول شماره (۸) ورود پارچه‌های پشمی از سال ۱۳۱۳ الی ۱۳۳۲ (۱۹۳۴ تا ۱۹۵۳ م)	۱۵۷
جدول شماره (۹) توزیع کارگران در کارخانجات اصفهان در سال ۱۳۲۴	۱۷۸
جدول شماره (۱۰) توزیع کارگران در کارخانجات اصفهان در سال ۱۳۳۴	۱۷۹
جدول شماره (۱۱) توزیع کارگران در کارخانجات اصفهان در سال ۱۳۴۹	۱۸۰
جدول شماره (۱۲) توزیع کارگران به تفکیک جنسیت در کارخانجات نساجی اصفهان در سال ۱۳۴۹	۱۸۲
جدول شماره (۱۳) میزان درآمد شهرداری اصفهان قبل و بعد از برپایی کارخانجات نساجی	۲۳۴
جدول شماره (۱۴) تعداد کارگر و میزان سرمایه اولیه و فعلی کارخانجات اصفهان در سال ۱۳۲۴	۲۰۸
جدول شماره (۱۵) آمار صادرات کشور در سال ۱۳۰۸	۲۰۹
جدول (۱۶) واردات و صادرات کشور در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰	۲۰۹

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی

از یک منظر، مورخ محلی در رصدخانه‌ای نشست است که طلوع و غروب پدیده‌های معاصر شهر را ثبت و ضبط می‌کند. هنوز نود سال از بنیانگذاری اولین کارخانه نساجی اصفهان نگذشته است. تحولی که در پی آن و تأسیس دهه‌ها کارخانه نساجی دیگر، مرحله کاملاً تازه‌ای در تاریخ شهر اصفهان آغاز شد. این دوران طلایی، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم کم رنگ باخت تا این که در زمان حاضر آثار زیادی از کارخانه‌های مذکور و مقامی که اصفهان به واسطه تعلق به این کارخانه‌ها به دست آورده بود باقی نمانده است. در واقع صنعت نساجی دوره‌ای پا به اصفهان نهاد و حدود نیم قرن بعد از این شهر رخت بر بست. اما این صنعت تقریباً بر تمام جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی شهر رنگ و اثر خود را بر جای نهاد. از آنجا که بخشی از رسالت تاریخ محلی ثبت و ضبط دوره‌های خاص یا پدیده‌های ویژه و ممتاز تاریخ یک شهر می‌باشد، پژوهش حاضر می‌کوشد به روش علمی و دانشگاهی و مستند به مطبوعات، اسناد و شواهد شفاهی، این دوره از تاریخ اصفهان را بازسازی و ثبت نماید.

در دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش / ۱۹۴۱ - ۱۹۲۵م) پس از دو دهه بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی نوعی امنیت در کشور حکمفرما گردید و در سایه نظام قضایی و قوانین حمایتی مجلس، سرمایه‌های ملی به جریان افتاده و چندین کارخانه تولیدی برای نجات کشور از وابستگی به خارج افتتاح گردید. این کارخانه‌ها اغلب در زمینه‌های نساجی، قند و سیمان فعالیت می‌کردند. سه قلمی که بیشترین نیاز کشور بدان‌ها بود. و بالاترین رقم واردات را به خود اختصاص داده بودند. به دلیل شرایط مساعد منطقه‌ای و سوابق تاریخی که بخشی از آن در فصل نخست پایان نامه آمده است، علاقه مردم اصفهان به سوی صنعت نساجی روانه شد و حاصل آن که نه کارخانه عظیم نساجی در این شهر پایه‌گذاری گردید.

وجود این همه کارخانه تحولات شگرفی را در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر پدید آورد. پول فراوانی به این شهر سرازیر گردید و طبقه‌ای به نام کارگر صنعتی بوجود آمد که مطابق آمارها بین ده تا پانزده هزار نفر را شامل می‌شد. در شهری که دویست هزار نفر جمعیت داشت، این تعداد و خانواده‌هایشان تقریباً نیمی از جمعیت شهر را شامل می‌شدند. پس دور از انتظار نیست که این نیروی عظیم اجتماعی موجب تغییرات زیادی در عرصه سیاسی و اجتماعی شهر گردد.

بعد از شهرپور بیست، تحولات زیادی در عرصه مدیریت کلان کشوری و سیاست‌های تجاری حادث شد و حاصل آن که کارخانه‌های اصفهان با دو بحران شدید اقتصادی و اجتماعی روبرو گردیدند. به حدی که کل شهر با فراز و نشیب آنها متلاطم گردید: بحران اقتصادی و بحران اجتماعی. بحران «اقتصادی» از چند علت ناشی می‌شد که عمده‌ترین آن ریشه در سیاست درهای باز تجاری دولت‌های بعد از جنگ داشت. این دولت‌ها در ابتدا به عنوان کمک به مردم فقیر و آسیب دیده از جنگ و بعد تحت عنوان تبدیل دلارهای نفتی به ریال، درهای تجاری را باز کرده و کارخانه‌های خسته و فرسوده داخلی را در مقابل رقبای خارجی خود تنها گذاشتند. بالا رفتن قیمت مواد اولیه و رسوخ بی‌اعتمادی و بی‌اخلاقی در نهادهای اقتصادی و سرانجام موضوع کارگران اضافی و مطالبات آنها شرکت‌های تولیدی را چنان درگیر خویش کرد که بسیاری از آنها متزلزل شده و وقتی با کمبود سرمایه در گردش مواجه شدند ناچار مقروض نظام بانکی شدند. اما خیلی زود وام‌ها به پایان می‌رسید و مشکلات سابق بر جای می‌ماند و این بار قروض بانک‌ها نیز بر آن اضافه شده بود. دوباره کارخانه تعطیل می‌شد. فشارهای اجتماعی و کارگران بی‌کار شده دولت‌ها را به عکس‌العمل ناچار کرد.

در سال ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۲م هیأت‌های حمایت از صنایع تشکیل گردید که مرکب از چندین سازمان دولتی مختلف مانند اداره اقتصاد، اداره پیشه و هنر و اداره کار بود. کار این هیأت‌ها در درجه اول پشتیبانی فکری و فنی از بخش خصوصی بود و در درجه دوم در مورد کارخانه‌هایی که تعطیل می‌شدند، این هیأت‌ها مدیریت کارخانه را برای مدت معینی به عهده می‌گرفتند. خوب یا بد کارخانه ورشکست شده را می‌گرداند، اما سایه قروض سنگین بانک‌ها هم‌چنان بر جای بود تا وقتی که بانک وام دهنده وارد عمل می‌شد و وقتی مطالباتش پرداخت نمی‌شد، طی تشریفات قانونی، اجرائیه صادر کرده و کارخانه را به مزایده گذاشته و در نهایت تصاحب می‌نمود. سرنوشت چندین کارخانه اصفهان چنین شد که سرانجام به دست بانک ملی افتاد. یکی از کارخانه‌ها نیز به بانک تهران رسید. بانک صنعت و معدن نیز صاحب یکی دیگر از کارخانجات اصفهان شد.

بحران «اجتماعی» از دو منشأ سرچشمه می‌گرفت: بحران مالی و تحولات سیاسی کشور. بحران مالی کارخانه‌ها موجب تعطیلی‌های موقت و عدم پرداخت حقوق کارگران می‌گردید. همین امر اعتصابات کارگری را دامن می‌زد. نزاع میان کارگران و کارفرمایان تا جایی شدت یافت که دولت، وزارت کار را برای میانجی‌گری میان این دو تأسیس کرد. این وزارتخانه در قالب قانون کار سعی کرد هر دو سو را به مذاکره دعوت کرده و بر اساس یک قالب معین یعنی قانون کار، به مصالحه بکشانند. از اتفاق در این فضا (دهه بیست) تحولات سیاسی کشور شدت یافته، به سوی آزادی احزاب سیاسی و نزاع‌های حزبی می‌رفت. حزب توده نیز در ایران به شدت فعال شد و به سازماندهی و هدایت کارگران در قالب اتحادیه‌های کارگری مشغول گردید. در عین حال دیدگاه‌های مخالف حزب توده نیز در میان کارگران شکل گرفته و رشد کرد. جدال میان این دو جریان فکری صفحه دیگری از تاریخ صنعتی این شهر را رقم زد.

شرح بحران‌های مذکور و علل و پیامدهای آن بخشی از این پژوهش است. این بخش در عین حال که فصلی از تاریخ این شهر را روشن می‌کند، به دلیل تشابه بحران‌ها و استمرار آنها تا به روزگار حاضر، می‌تواند دستمایه‌ای باشد برای مدیران محلی و کشوری که با شناسایی تاریخچه مسأله، بهتر بتوانند به حل آن نائل آیند. بخش دیگر نیز به تأثیر کارخانجات در فضای شهری و امور شهرسازی می‌پردازد. مدیریت شهری اصفهان با عوارضی که از این کارخانه‌ها می‌ستانید، پروژه‌های عظیم شهرسازی را سامان داد. چندین خیابان مهم در شهر کشید و آنها را آسفالت نمود. از آن

بارزتر این کارخانجات در مقاطعی برق شهر را هم تأمین می‌نمودند. به لحاظ روانشناسی اجتماعی وجود کارخانجات باعث شکل‌گیری و رشد روحیه صنعتی در میان مردم شهر گردید. روحیه‌ای که بر سه پایه نظم، محاسبه و آموزش استوار بود. ورزش کارگران، جنبش کارگری، تأسیس کلاس‌های کارگری و هر کار دسته جمعی طبقه‌ای به نام کارگر حرفه‌ای، فضایی بود که جامعه اصفهان در این مقطع با آن آشنا ساخت. فضایی که خاص قرن بیستم بود. سرمایه‌ای که گردش کارخانجات به شهر سرازیر کرد، بخشی نیز به مردم شهر از کارگر و غیر کارگر، می‌رسید. این ثروت توانست فقر و بیکاری را در شهر کاهش داده و در عوض موضوع بیمه‌های اجتماعی را در میان آنان تثبیت کند. به طور خلاصه وجود کارخانه‌ها موجب وزیده شدن نسیم مدرنیته در شهر اصفهان گردید. بی‌گمان تاریخ معاصر اصفهان با کارخانجات نساجی گره خورده است. که در پایان‌نامه حاضر با مراجعه به مطبوعات و اسناد و شواهد شفاهی سعی شده است روایت اصفهان امروز نیز دنبال گردد.

۱-۱. کلید واژه ها

صنعت نساجی (The textile industry) صنعتی که در زمینه تولید منسوجات و به صورت ماشینی (کارخانه‌ای) فعالیت می‌کند.

تحولات شهری (Urban transition) تحولاتی هستند که به نوعی با زندگی اجتماعی انسان شهرنشین سر و کار دارند و آن را متأثر می‌گردانند. برپایی هر موسسه اقتصادی از جمله کارخانه نساجی، خواه ناخواه بر وجوه مختلف زندگی شهر اثر می‌گذارد. (تعاریف با هماهنگی استاد راهنما)

۱-۲. پیشینه و تاریخچه موضوع

تحقیقاتی که در زمینه این پژوهش صورت گرفته است در دو دسته کلی تقسیم بندی می‌شوند:
□ تحقیقاتی که منحصراً صنعت نساجی را مورد مطالعه قرار داده است. که این تحقیقات بیشتر در حوزه جغرافیا صورت گرفته‌اند. در این نوع تحقیقات زمینه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی ایجاد و رشد صنعت نساجی مغفول مانده است. امور کارگری و ظهور اجتماعی طبقه کارگر به عنوان کنشگران سیاسی شهر نادیده گرفته شده و بیشتر از دید اطلاعات آماری و سرشماری‌های مربوطه موضوع بررسی شده است. یک نمونه «تاریخ نساجی اصفهان» است. پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی جغرافیا که مصطفی درخشانی در سال ۱۳۴۹ در گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان از آن دفاع کرده است. وی تک تک کارخانه‌های نساجی شهر را برشمرده و تصویری از وضعیت آنها در آن مقطع ارائه داده است. منابع پژوهش بیشتر میدانی و کسب اطلاعات از مدیران کارخانه‌ها و مطلعین بوده است. این پژوهش از این جهت که به ما می‌گوید کارخانه‌های مذکور در سال ۱۳۴۹ ش/ ۱۹۷۰ م چه وضعیتی داشته‌اند حائز اهمیت است.

عابدی (۱۳۳۴) با نگارش کتاب «اصفهان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی» سعی کرده است در مقام ریاست اداره اقتصاد ملی استان اصفهان، گزارشی تحقیقی - اداری تهیه نماید. او وضعیت کارخانجات اصفهان را در آن مقطع تشریح کرده، به دلیل موقعیت خاص خود به خوبی از ریشه‌های بحران‌های مالی کارخانجات سخن گفته است. در واقع نویسنده کتاب خود از بازیگران وقایع بوده و توانسته است نگاهی کلی اما صحیح به بحران‌های کارخانجات داشته باشد.

کلباسی (۱۳۵۳) که در این سال پایان‌نامه دکتری اقتصاد خود را تحت عنوان «اقتصاد شهر اصفهان» به نگارش در آورد در عین تحقیق بر جنبه‌های مختلف اقتصاد این شهر، نظری نیز به کارخانجات نساجی و تأثیر آنها در اقتصاد شهر انداخته است. کتاب حاضر نشان می‌دهد که دامنه بحران‌های مالی در سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م تا چه حد بوده و این بحران‌ها در آن سال کاهش یا افزایش یافته‌اند و چه اثرات بلندمدتی بر صنعت نساجی برجا نهاده‌اند. اتکای او در این کتاب بر آمارنامه‌ها و گزارش‌های رسمی موسسات مربوطه است.

محبوبی اردکانی (۱۳۵۴) جلد سوم کتاب «تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران» به امر ورود و پایه‌گذاری صنایع جدید در ایران اختصاص دارد. نگاه مولف بیشتر توصیفی و فهرست وار است و از این جهت اهمیت دارد که از خلال آن می‌توان فهمید صنعت نساجی در کل صناعی که در ایران نضج گرفتند چه مقام و جایگاهی دارد و در واقع جغرافیای این صنعت در کل کشور چگونه است.

□دسته دوم آثار و منابع بیشتر به بحران‌های اجتماعی کارگران پرداخته و به صورت پژوهش یا ارائه مواد خام (اسناد و مطبوعات) محقق را یاری نموده است:

لاجوردی (۱۳۶۹) در پژوهش خود تحت عنوان «اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران» شکل‌گیری این اتحادیه‌ها و تأثیر آنها را در فضای صنعتی کشور بررسی کرده و فراز و فرود آن را نشان می‌دهد. اصفهان به عنوان یکی از شهرهای کارگری کشور بخشی از این تحقیق محسوب می‌شوند. اسنادی که مورد استفاده این محقق بوده است بیشتر نامه‌ها و گزارش‌های کنسولی و اسنادی است که به نحوی با خارجیان ارتباط دارد. اگر چه مولف از خاندانی است که چند نسل صاحب کارخانه بوده اند، تحلیل‌های کتاب متأثر و جانبدارانه از اندیشه‌های چپ بوده و بحران‌های مالی کارخانجات را کمتر مد نظر گرفته است. در این پایان‌نامه برای ترسیم فضای کارگری کشور در سال‌های بعد از جنگ از اثر فوق سود برده شده است.

رجائی (۱۳۸۷) با مراجعه به مطبوعات انتشار یافته در دوره رضاشاه و انعکاس متن آنها کتابی تحت عنوان «تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول» تدوین شده است که در یک فصل آن که به شکل‌گیری صنایع اختصاص دارد، آگاهی‌های مفیدی را راجع به زمان تأسیس کارخانجات نساجی در اصفهان، بازیگران و فعالان اقتصادی وابسته و نیز بعضی جنبه‌های اجتماعی موضوع مانند ورزش کارگران، بیمارستان‌های کارگری، موضوع بیکاری و نیز رابطه متقابل کارخانجات و شهر را از زاویه نگاه مطبوعات به تصویر کشیده است. حوزه زمانی کتاب مربوط به دوره رضاشاه می‌باشد. اثر فوق به صورت مواد خام پژوهش حاضر بوده و فاقد اسناد و نیز فاقد تحلیل می‌باشد.

۳-۱. اهداف تحقیق

- تبیین شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری صنعت نساجی در ایران و اصفهان.
- تبیین تأثیر این صنعت بر تحولات اقتصادی و اجتماعی شهر اصفهان.
- تبیین سیاست‌های دولتی در ابعاد حقوقی و اجرایی در حمایت از این صنعت و پی‌آمد این سیاست‌ها.
- تبیین تحولات و بحران‌های مربوط به این صنعت بعد از شهریور ۲۰ در ابعاد مالی و اجتماعی.
- تبیین تأثیر این بحران‌ها در سرنوشت نهایی صنعت در اصفهان.

۳-۱-۱. اهداف فرعی

- تبیین جنبش کارگری اصفهان شکل‌گیری، روند و اهداف آن.
- تبیین تاریخ معاصر شهر در پرتو شکل‌گیری صنعت نساجی.

۴-۱. اهمیت و ارزش تحقیق

از وظایف عمده هر مورخ محلی ثبت و ضبط حوادث و پدیده‌هایی است که در شرف زوال بوده و یا در حال طلوع می‌باشند. این تحقیق در قدم اول بخشی از گذشته مغفول شهر را بازسازی و بازنمایی می‌کند. پدیده‌ای به نام صنعت نساجی که در حدود نیم قرن کلیه وجوه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر را تحت تأثیر خویش قرار داده و نیمی از مردم شهر مستقیم و غیر مستقیم با آن در ارتباط بودند. از آن همه هیاهو اینک فقط نامی و یادی برجای مانده و چند مخروطه به نام کارخانه‌های نساجی و چندین هزار کارگر پیر، که در گوشه و کنار شهر روزگار عسرت خویش را می‌گذرانند.

پژوهش حاضر از آغاز شکل‌گیری صنعت نساجی و توجه به این صنعت در دوره قاجار تا مقطع سال ۱۳۴۵ش/۱۹۶۶م که کارخانه‌های نساجی از دست مالکین سابق به در آمده و به دست بخش دولتی افتادند را در زیر نگاه قلم خویش دارد و سعی کرده است با مراجعه به منابع اصلی و انتشار نیافته بکوشد کلیه وجوه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوطه را تبیین و توضیح نماید. در این پایان نامه سعی بر آن است تا صنعت نساجی به عنوان جزئی از تاریخ معاصر شهر اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته و رابطه متقابل شهر و صنعت تشریح شود. تأثیر حضور و وجود کارخانجات بر موضوعاتی مانند بیکاری، بیسوادی، امور خیریه، تشکیلات درمانی، جنبش کارگری، بیمه‌ها و سرانجام مسأله شهرسازی در مقطع مورد مطالعه بیان گردد. در مطالعاتی که پیشتر بر روی موضوع صنعت نساجی اصفهان صورت گرفته است، معمولاً یکی از وجوه به صورت تک نگاری بررسی شده و یا این که از منابع نامشخص و غیر مستند بهره برده شده است. این پژوهش سیاست‌های کلان دولتی و تأثیر قوانین موضوعه مجلس را در رشد صنعت نساجی با نگرش تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۵. سوالات تحقیق

- زمینه‌های رشد صنعت در ایران عصر پهلوی اول چه بود؟
- چرا اصفهان توانست در دوره پهلوی اول قطب صنعت نساجی ایران گردد؟
- بحران‌های مالی و اجتماعی کارخانجات نساجی بعد از شهریور ۲۰ / آگست ۱۹۴۱ در کجا ریشه داشتند؟
- سیاست‌های دولتی در مهار بحران‌های مالی و اجتماعی کارخانجات نساجی چه بود؟
- وجود این صنعت در شهر اصفهان چه تأثیر بر خود شهر بر جای نهاد؟

۱-۶. فرضیه‌های تحقیق

- فضای فکری و اجتماعی عصر قاجار، در شکل‌گیری و رشد صنعت نساجی در شهر اصفهان موثر بود.
- در دوره پهلوی اول سیاست‌های کلان دولتی بسترهای لازم را برای شکل‌گیری و رشد صنعت نساجی در کشور فراهم کرد.

- اصفهان شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم را برای پرورش صنعت نساجی دارا بود.
- صنعت نساجی اصفهان بعد از پایان جنگ جهانی دوم بحران‌های مالی و اجتماعی متفاوتی را تجربه نمود.
- صنعت نساجی اصفهان چون به نوسازی مداوم خود نمی‌پرداخت، نمی‌توانست به رشد مطلوب جهانی برسد.
- رابطه متقابلی میان شهر اصفهان و کارخانجات نساجی به وجود آمد.

۱-۷. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر دو طیف از منابع اولیه استوار است؛ مطبوعات و اسناد. در مقاطعی که اسناد دیگری در دست نیست، ناچار محقق به سراغ مطبوعات رفته فرض را بر این گذاشته که مطبوعات در انعکاس اخبار و نه تحلیل، صداقت کافی را داشته‌اند. به همین خاطر ناچار به نظر می‌آید در مقطعی این تحقیق «روزنامه محور» شده است. اما چاره‌ای نبوده است. چرا که در مقطعی اصلاً سندی باقی نمانده که امروز بتوان از آن سود جست و یا بدیهی است اسناد، یک روایت بلند را پوشش نمی‌دهند و ناچار باید منبع دیگری مثل روزنامه به کمک بیاید تا از دل آن‌ها شرح برپایی یک کارخانه و حواشی آن بیرون بیاید. از سوی دیگر مطالب روزنامه‌ها بر دو طبقه قابل تقسیم‌بندی هستند؛ اخبار و تحلیل‌ها. استحکام بخش نخست بسیار بیشتر است و مولف نیز سعی کرد پژوهش خود را بر این قسمت تکیه دهد. اگر چه تلاش فراوان شده است که تحقیق در دام «ژورنالیسم گرای» نیفتد، اما ادعا ندارد که به کلی از آن مصون بوده است. علاوه بر این‌ها منبع دیگری چون شواهد شفاهی در مواقعی به کمک خواهد آمد و نقاط تاریک و حواشی مسأله را تاحدودی روشن می‌نماید. دو منبع نخست از آرشیوهای کتابخانه‌های محلی و کشوری فراهم آمده و منبع دوم نیز حاصل یک کار میدانی

در جستجوی مدیران، کارگران و مطلعین کارخانجات و صنعت نساجی اصفهان بوده است. در نگاه کلی روش تحقیق این پژوهش توصیفی تحلیلی می‌باشد و بیشتر بر مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیوی استوار است.

۸-۱. شناخت، نقد و ارزیابی منابع

منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند به دلیل گستردگی موضوع به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۸-۱. مطبوعات

دو روزنامه «وقایع اتفاقیه» و «ایران» در زمان ناصرالدین شاه و در دستگاه دولتی وی در تهران انتشار می‌یافتند. از این روزنامه‌ها می‌توان به سیاست‌ها یا کوشش‌های رسمی دولت در قبال موضوع صنعت نساجی پی برد. احکام شاه در ممنوع کردن خلعت کشمیری و دادن خلعت بافت کرمان به اعیان کشور، برای پیشرفت صنعت نساجی، در این روزنامه‌ها درج می‌شدند. روزنامه «اختر» که توسط میرزا طاهر تبریزی و بین سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۳۱۴ ق / ۱۸۷۴ - ۱۸۹۶ م در استانبول انتشار می‌یافت، دنیای آزاد عثمانی را تجربه کرده و با صنعت اروپایی با واسطه کمتری آشنایی داشت. چنین بود که موضوع تأسیس «شرکت» به عنوان عامل مهمی در پیشبرد اقتصاد و صنعت را مطرح می‌کرد. روزنامه «حبل‌المتین» بی‌گمان مهم‌ترین و اساسی‌ترین روزنامه ایران در دوره قاجار است. این روزنامه که توسط سیدجلال‌الدین کاشانی در کلکته هندوستان انتشار می‌یافت، این آزادی را داشت که اخبار و گزارش‌های خود را بدون ترس از حکام قاجاری انتشار داده و نظرات اصلاحی خود را ابراز دارد. مدیر روزنامه که خود اهل شهر نساجی کاشان بود، برای رشد و بالندگی ایران تلاش زیادی می‌کرد و انتشار اخباری راجع به تأسیس شرکت اسلامی در اصفهان و پیگیری این موضوع و تشویق کارگزاران این شرکت نشان از این رویکرد دارد. عمر طولانی روزنامه حبل‌المتین کلکته که حدود ۴۰ سال به طول انجامید، (۱۳۴۹ - ۱۳۱۱ ق / ۱۲۷۲ - ۱۳۰۹ ش / ۱۸۹۳ - ۱۹۳۰ م) و کیفیت بالای آن در اطلاع‌رسانی و درج اخباری از لایه‌های گوناگون جامعه ایران، از طریق نامه‌های وارده و... هر پژوهشگر تاریخ را تشویق و بلکه ملزم می‌کند که بدان مراجعه نماید. روزنامه «اطلاع» در ایران و زیر نظر تشکیلات دولت در دوره ناصرالدین شاه (سال ۱۲۹۸ ق / ۱۸۸۱ م) آغاز به کار کرد و دست کم تا سال ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م انتشار آن ادامه داشته است. اطلاع را ابتدا محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و سپس محمدباقرخان ادیب‌الملک مدیریت می‌کرد. این روزنامه نظرانی در حوزه اصلاح اقتصادی و اجتماعی را با نگاه دولتی انتشار می‌داد. این روزنامه نشان می‌دهد کارگزاران دولتی چه راه‌حلهایی برای نجات اقتصاد ملی ارائه می‌دادند.

منابع مشروطیت نیز بیشتر حول محور مطبوعات می‌چرخند. خواسته‌های اقتصادی روزنامه‌های عصر مشروطه در همه کشور برپایی کارخانجات، کشف معادن، کشیده شدن راه‌ها و تأسیس بانک ملی بودند. در شهری مثل اصفهان که نیروهای اقتصادی جامعه نیز به این چشم اندازه‌ها اعتنا نشان داده و قدم‌های عملی بر می‌داشتند، زمینه برای مانور روزنامه‌ها بازتر می‌شد. روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» (۱۳۲۹ - ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱ م) ارگان انجمن ولایتی اصفهان بود که به مدیریت سراج‌الدین جبل عاملی انتشار می‌یافت. در این روزنامه می‌توان انعکاس صدای خواسته‌های اقتصادی مشروطه طلبان را بلندتر شنید. برپایی «انجمن تجار» و نیز شرکت‌های اقتصادی در این روزنامه دنبال می‌شدند. بعد از آن روزنامه «جهاد اکبر» یک روزنامه ارزشمند خبری تحلیلی بود که بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۷ - ۱۹۰۹ م در اصفهان انتشار می‌یافت. سیدعلی خراسانی مدیر روزنامه بود و یک نمونه رساله اقتصادی حاج‌محمدحسین کازرونی در این روزنامه به چاپ رسید. دو روزنامه زاینده‌رود (۱۳۳۳ - ۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۹ - ۱۹۱۵ م) به مدیریت معین‌الاسلام خونساری) و پروانه (۱۳۲۹ - ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ - ۱۹۰۸ م) به مدیریت سید حسن مومن‌زاده) نیز هر دو در اصفهان انتشار می‌یافتند و چون در مشروطه کبیر (پس از استبداد صغیر) آغاز انتشار کردند، می‌توان در خلال آنها فهمید جنب و جوش

اقتصادی در مشروطه نخست سرانجام به چه نقطه‌ای رسید. آیا آن همه شور و شوق در رسیدن به خودکفایی اقتصادی و حمایت از تولیدات وطنی سرانجامی داشت؟

روزنامه «صبح امید» به مدیریت محمد تقی ادیب خراسانی از اسفند ۱۲۹۹ / مارس ۱۹۲۱ دو سه سالی در اصفهان به چاپ می‌رسید. این روزنامه در زمانی انتشار می‌یافت که روزنامه‌های امیدی باز شده و کشور از تلاطم جنگ جهانی اول خارج شده بود. پس فعالان اقتصادی در ابتدای قرن (سال ۱۳۰۰ش) اقداماتی را در برپایی مجمع اقتصادی آغاز کرده بودند. شرکت نساجی اصفهان نیز در همین زمان آغاز گردید که اثر چندانی از خود بروز نداد. روزنامه «اخترمسعود» نیز به مدیریت عبدالوهاب گلشن ایرانپور، در این زمان انتشار می‌یافت. (۱۳۱۲ - ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۹ - ۱۹۳۳م) از این روزنامه هم اخبار چندی در این کتاب درج شده است.

در سطح کشور روزنامه «ایران» به مدیریت زین‌العابدین رهنما، تصویری عمومی از روزگار ایران پیش از تأسیس سلسله پهلوی دست می‌دهد. روزنامه مذکور از ۱۲۹۵ش / ۱۹۱۶م تا بعد از سال‌های دهه سی در تهران انتشار می‌یافت. در واقع در دوره رضاشاه این روزنامه به همراه روزنامه اطلاعات مهمترین روزنامه‌های کشوری بودند روزنامه وزین «اطلاعات» به مدیریت عباس مسعودی از سال ۱۳۰۵ در تهران آغاز به کار کرد. مشی هر دو روزنامه خبررسانی بود و در زمانی که در اصفهان روزنامه اخگر هنوز انتشار نیافته است، می‌توان از خلال اخبار این دو روزنامه، زمینه‌های برپایی کارخانه وطن را دنبال کرد. هم چنین دانست تحولات اقتصادی در سطح کشور چه بودند.

با آغاز به کار روزنامه «اخگر» در سال ۱۳۰۷ش / ۱۹۲۸م اطلاعات و دانش نسبت به اوضاع اصفهان در خلال دوره پهلوی اول بسیار پر رنگ‌تر می‌شود، چرا که امیر قلی امینی، مدیر روزنامه، علاقه زیادی به رشد اقتصادی و گسترش صنایع اصفهان نشان می‌داد. او اخبار برپایی مجامع اقتصادی و تشکیل شرکت‌ها را با علاقه تمام انعکاس می‌داد. در واقع گسترش صنایع نساجی و تأسیس کارخانه‌های مربوطه در این زمان اتفاق افتاد. اگر چه بنا به ملاحظات سیاسی هرگز نگاه انتقادی نسبت به اثرات منفی این تحولات صنعتی در روزنامه اش انعکاس نیافت. در نیمه دوم حکومت رضاشاه سال ۱۳۱۴ش / ۱۹۳۵م روزنامه «باختر» در اصفهان شروع به کار کرد. نصرالله سیف‌پور فاطمی صاحب امتیاز روزنامه، کار آن را بیشتر به برادرش حسین فاطمی سپرده بود. روزنامه باختر بعد از رفتن رضاشاه موضعی انتقادی نسبت به مدیران کارخانه‌ها گرفت.

بعد از بسته شدن بسیاری از روزنامه‌های کشور در دوره اول نخست‌وزیری قوام السلطنه در سال ۱۳۲۱ش / ۱۹۴۲م امیر قلی امینی که روزنامه‌اش اخگر با تعطیلی مواجه شده بود، پنج ماه بعد و در ابتدای سال ۱۳۲۲ش / ۱۹۴۳ روزنامه «اصفهان» را انتشار داد. این روزنامه نیز مانند اخگر در زمینه اطلاع‌رسانی شهری مقام اول را در بین همتایان خود داشت. موضوع مهم آن است که خط مشی روزنامه تا حدودی مستقل بوده و بجز مدت کوتاهی که امیرقلی امینی به حزب دموکرات قوام پیوست، این روزنامه به هیچ جریان سیاسی تمایل نداشت. روزنامه‌های اخگر و اصفهان بیشتر از نگاه کارخانه‌داران و صاحبان صنایع اخبار را دنبال می‌کردند. البته این روزنامه‌ها در مقاطعی نیز انتقاداتی نسبت به آنها ابراز می‌کردند. پایین بودن کیفیت محصولات و قیمت بالای آنها، شاه بیت این انتقادات بودند.

بعد از شهریور ۲۰ / آگست ۱۹۴۱ حدود چهل روزنامه و هفته‌نامه در اصفهان منتشر می‌شدند. تقریباً تمام گرایش‌های سیاسی صاحب تربیون شده بودند. در این میان روزنامه‌های دارای گرایش چپ، بیشترین توجه را به امور کاری و کارخانه‌ها نشان می‌دادند. اما مشکل آنجاست که این نشریات به صورت پراکنده منتشر شده و مجموعه قابل اعتنایی از آنها باقی نمانده است. بر خلاف روزنامه‌های معتدل که اکنون مرجع تحقیقات زیادی قرار دارند. روزنامه «نقش جهان» را حسین نورصادقی انتشار می‌داد (۱۳۲۸ - ۱۳۲۲ش / ۱۹۴۳ - ۱۹۴۹م) وی در فضای ضد سرمایه‌داری سعی می‌کرد راه میانه را پیش گرفته و در دعوی میان کارگران و کارفرمایان دو طرف را به مدارا توصیه می‌نمود. «روزنامه

چهلستون» (۱۳۳۴ - ۱۳۳۰ش / ۱۹۵۱ - ۱۹۵۵م) به مدیریت محمد صدرهاشمی نیز با آن که سعی کرد صبغه فرهنگی خود را حفظ کند، اما به ناچار در مواقع بحران اقتصادی و اجتماعی اوایل دهه سی و نقطه عطف آن یعنی کودتای ۲۸ مرداد، اخبار سیاسی و کارگری را انعکاس می‌داد. روزنامه «عرفان» به مدیریت احمدعرفان (شروع به کار در سال ۱۳۰۶ش / ۱۹۲۷م) و «سپنتا» (۱۳۳۸ - ۱۳۲۲ش / ۱۹۵۹ - ۱۹۴۳م) به مدیریت عبدالحسین سپنتا نیز در همین دوره انتشار یافتند که اولی موضعی راست و دومی گرایشی چپ داشت.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد روزنامه «مجاهد» تنها روزنامه مهم اصفهان گردید. (۱۳۵۴ - ۱۳۳۰ش / ۱۹۷۵ - ۱۹۵۱م) این روزنامه که توسط علی مجاهد انتشار می‌یافت، به دلیل نزدیکی به دربار و در ضدیت با جریان‌های چپ، به صاحبان کارخانه‌ها نزدیک گردید. روزنامه «اصفهان» نیز در اردیبهشت ۱۳۴۱ / می ۱۹۶۲ پس از ده سال توقیف دوباره به چاپخانه رفت. این بار موضع روزنامه علیه کارخانه‌داران بود و در مخالفت با گران بودن قیمت محصولات و نیز کیفیت پایین آنها مقالاتی می‌نوشت.

روزنامه‌های مجاهد و اصفهان در سال ۱۳۵۴ / ۱۹۷۵ بنا به طرحی که در سطح کشوری اجرا گردید، هر دو تعطیل گردیدند. این بار نوبت به روزنامه «اولیای اصفهان» به مدیریت محمدعلی اولیا رسید که جای خالی روزنامه را پر کند. (آغاز انتشار ۱۳۲۷ش / ۱۹۴۸م) و اکنون می‌توان راجع به آخرین تحولات صنعتی دوره پهلوی دوم از این روزنامه کمک گرفت. چنان که در توالی و ترتیب روزنامه‌ها دقت گردد، مشاهده می‌شود که در این دوره هشتاد ساله، تقریباً همیشه یک یا دو روزنامه در شهر در حال انتشار بوده است و هر گاه روزنامه‌ای خاموش می‌شد، از خلال روزنامه‌های دیگر می‌توان به داده‌های مطلوب دست یافت.

سیاست‌های تجاری و تصمیمات کلان کشوری در حوزه اقتصاد را باید با مراجعه به مجله «اتاق تجارت» جستجو کرد. دوره نخست این مجله توسط عباس مسعودی و از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۷ش / ۱۹۳۸ - ۱۹۲۹م در تهران انتشار می‌یافت. در این مجله اقتصادی مهم باید اثرات تصمیمات اقتصادی دولت و مجلس را یافت. نیز رشد صنعتی کشور بعد از قانون انحصار تجارت خارجی در این مجله قابل جستجو است.

بعد از آن دوره دیگری از «مجله اتاق بازرگانی» در ابتدای سال ۱۳۳۴ش به صاحب امتیازی اتاق بازرگانی تهران، آغاز به انتشار کرد که تا آستانه انقلاب اسلامی انتشار می‌یافت. این مجله در سال ۱۳۷۸ دوباره شروع به انتشار کرد که تا امروز نیز ادامه دارد. بی‌گمان بسیاری از مقالات و دیدگاه‌های کلان اقتصادی، تصمیمات دولتی و نیز گزارشی از برپایی همایش‌ها و سمینارهای مختلف را باید در این مجله جستجو کرد.

۱-۸-۲. اسناد

منبع مهم دیگری که در این کتاب از آنها بهره برده شد، اسناد فراوانی است که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی (شعبه اصفهان و نیز شعبه مرکزی در تهران) نگهداری می‌شوند. به علاوه اسناد نخست‌وزیری و اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و بعضی اسناد موجود در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نیز در این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفتند. اسناد معمولاً حاوی داده‌های هستند که بنا به علل گوناگون در سطور روزنامه‌ها و مجلات نمی‌آیند. بنابر این هر پژوهشگری ناگزیر از مراجعه بدانهاست. متن قراردادها، گزارش‌های مهم دولتی، پشت پرده جنبش‌های کارگری از جمله در این اسناد قابل بازیابی هستند.

در اسناد رسمی و اداری اطلاعات ذی‌قیمت و مهمی ثبت و ضبط می‌گردند که آنها معمولاً رونوشت نامه‌هایی بود که به استانداری اصفهان رسیده بود و شامل گزارش‌های وزارت صنایع، وزارت کار و وزارت اقتصاد بودند. در حالی که در اسناد غیر رسمی، نامه‌های از کارگران به مجلس شورای ملی در شکایت از وضعیت کار و یا مسایل کارگری یافت می‌شدند.

۱-۸-۳. کتاب‌ها

کتاب‌های بهره گرفته شده در این پایان نامه خود به سه گروه عمده تقسیم می‌گردند:

۱-۳-۸-۱. کتاب‌های اسنادی

کتاب‌هایی که به بازنویسی و انعکاس متن اسناد پرداخته اند، پژوهشگران را از مراجعه به مراکز اسنادی و صرف وقت و هزینه زیاد معاف می‌دارند. کتاب «اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر» به تدوین الیاس شیخی، علاوه بر مقدمه مفصل آن در شرح تحولات کارگری سال‌های ۱۳۲۰ تا ۳۲، حاوی تصویر حدود نهصد سند در مورد تحولات کارگری اصفهان در دوره مذکور است. این اسناد از سازمان اسناد ملی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد ریاست جمهوری، آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران جمع‌آوری گردیده‌اند. بی‌گمان هر پژوهشی در تاریخ معاصر باید متکی به اسناد باشد که کتاب حاضر محققان را کمک فراوان می‌کند.

«اسنادی از اتحادیه‌های کارگری» به کوشش محمود طاهر احمدی شامل متن بازنویسی شده ۳۶۰ سند راجع به تحولات کارگری کشور بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۳۲ش / ۱۹۵۳ - ۱۹۴۱م است که از این میان حدود ۱۳۰ سند آن مربوط به اصفهان می‌باشد. بازسازی جنبش کارگری و مواضع کنشگران و فعالان کارگری بدون مراجعه به اسناد فوق ناقص خواهد بود.

کتاب دو جلدی «اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف» شامل ۲۶۷ سند بطور عمده اقتصادی است که بین سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ش / ۱۹۴۱ - ۱۹۲۱م تولید شده‌اند. از آنجا که منشأ این اسناد انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف هستند از این جهت می‌توان انتظار داشت که اسناد مذکور رنگ و بوی اقتصادی داشته و با کسب و معیشت مردم مرتبط باشند. در میان اسناد منعکس شده واکنش تجار و اصناف به تحولات اقتصادی روز را می‌توان دریافت. خصوصاً در سال‌های آغازین حکومت رضاشاه که اتحادیه‌ها و تشکل‌های مختلف، قدرت و جلوه‌ای داشتند، اسناد این کتاب که شامل بیانیه‌ها، مکاتبات و عرایض آنها به همراه گزارش‌های دولتی از وضعیت آنهاست، مفید فایده بسیار است. در پژوهش حاضر اسنادی از اتحادیه اصناف اصفهان در مقابله با نفوذ کالای فرنگ مورد استفاده قرار گرفت.

در سال ۱۳۱۰ش / ۱۹۳۱م دربار پهلوی لازم دید تا مجموعه اطلاعاتی، عمدتاً اقتصادی، از سراسر کشور کسب نماید. بنابر این طی نه سوال از جمله این که چه نوع صناعی در حوزه ولایت شما موجود است، استعدادهای محلی چیست؟ میزان تولیدات کشاورزی و دامداری در آنجا چقدر است و ... از تمامی حکام ولایات خواست که پاسخ گویند. حکام بزرگ مدیران زیر مجموعه خود را درگیر این قضیه کردند و در نهایت مجموعه‌ای جمع‌آوری گردید که تقریباً سراسر شهرها و روستاهای کشور را فرا می‌گیرد. این صدها سندی که از گوشه و کنار کشور جمع گردید، در وزارت دربار سابق باقی ماند تا سرانجام در سال ۱۳۸۳ش / ۲۰۰۴م توسط مرکز اسناد ریاست جمهوری بازخوانی شده و تحت عنوان «گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ش» به چاپ رسیدند. پژوهش حاضر با مدد جستن از اسناد این کتاب تصویر روشنی از اصفهان در سال ۱۳۱۰ به دست آورد.

رسیدن تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و مدیران کلان به قانون بسیار مهم انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م برآیند یک دوره بحران در نظام مالی و اقتصادی کشور بود. در کتاب «اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه» دیده می‌شود دربار برای رهایی از بحران مذکور نامه‌هایی به فعالین عرصه‌های مختلف نوشته و از آنها مشورت می‌طلبد. اکثر آنها به بسته شدن مرزهای تجاری رای داده و سرانجام نیز طی دو قانون «تفتیش اسعار» و سپس «انحصار تجارت خارجی» این خواسته صورت عمل به خود گرفت. واکنش‌ها به دو قانون فوق و پاسخ‌های دولت و بسیاری مسائل حاشیه‌ای مربوط به این دو قانون در کتاب مذکور گرد آمده‌اند. درباره اهمیت دو قانون مذکور در متن پژوهش حاضر سخن گفته شده است.

کتاب «اسناد احزاب سیاسی ایران ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰» که توسط بهروز طیرانی جمع آوری شده است، متن بسیاری از بیانیه‌ها و مواضع احزاب سیاسی را انعکاس می‌دهد. در این کتاب اسناد شعبه‌های شهرستانی احزاب نیز درج شده است که راجع به حزب دموکرات ایران (شعبه اصفهان) چندین سند در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

«اسنادی از قیام سی تیر ۱۳۳۱» مستندترین تصویر را از این تحول در سراسر کشور ارائه داده است. مدتی بعد از قیام و با روی کار آمدن دوباره دولت مصدق، هیأت‌هایی از دادستانی تهران به شهرهای مختلف اعزام شدند تا مقصرین واقعه و قاتلان احتمالی را شناسایی کرده و گزارشی از جریانات تهیه نمایند. آنها پس از مراجعه به شهرها و تحقیقات زیاد، گزارش‌هایی نوشتند که بخش اصفهان آن حدود بیست صفحه می‌باشد. در پژوهش حاضر برای بازسازی نقش کارگران اصفهان در قیام سی تیر به کتاب مذکور مراجعه گردید.

۱-۸-۳-۲. کتاب‌های خاطرات

در موارد اندکی کارگران، مطلعین و مدیران شهری اصفهان به ثبت و ضبط خاطرات خود اقدام کرده اند. این نوع آثار زاویه تازه‌ای در مسایل را برای محقق می‌گشایند. خصوصاً بررسی جنبش کارگری با مراجعه به این آثار غنی‌تر می‌شود. «در راه وظیفه» خاطراتی از شمس صدری، کارگر کارخانه ریسباف است، که ریاست اتحادیه منعشب از حزب توده را بر عهده داشت. کتاب حاوی مبارزات او و هم‌فکرانش با کارفرمایان و دیگر با حزب توده است که محدوده زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ش/ ۱۹۴۶ - ۱۹۴۱م را در بر می‌گیرد. بخش‌های زیادی از جنبش کارگری اصفهان از نگاه این فعال کارگری قابل درک می‌شود.

کتاب خاطرات دیگر «از وانان تا وین» نام دارد که از عزت الله باقری است. او در اواخر حکومت رضاشاه برای کارگری از روستای خود به اصفهان مهاجرت کرده در کارخانجات نساجی اصفهان مشغول کار شد. خیلی زود به جریان چپ پیوست و یکی از فعالان اتحادیه کارگری وابسته به حزب توده گردید. خاطرات او از مبارزات این حزب با کارفرمایان و نیز حال و هوای کارخانجات نساجی بسیار مفید است. خصوصاً این که وی تحولات را از نگاه یک کارگر فقیر و در صحنه دیده است.

از میان مدیران دولتی که به صنعت نساجی اصفهان وارد شدند نقش مهندس علی اکبر سبحانی از همه برجسته‌تر است. او که در وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و هیأت حمایت از صنایع این سازمان از کارمندان عالی رتبه بود، از سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱م به اصفهان مأمور شد تا کارخانه تعطیل شده پشمباف را مدیریت کند. دو ماه بعد کارخانه نور نیز تحت نظر ایشان در آمد. چند سال بعد در سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵م دوباره مأمور اصفهان شد تا کارخانه وطن را تحویل بگیرد. در سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷م کارخانه ریسباف و در دو سال بعد کارخانه تاج را در وضعیت ورشکسته تحویل گرفت و مدیریت آنها را تحت قالب هیأت حمایت از صنایع و نیز شرکت نساجی ایران تحت نظر سازمان برنامه به دست گرفت. مجموعه خاطراتی از او بر جای مانده است که بخشی از آن شرح مأموریت‌های اصفهان است. در این خاطرات که نام «روابط سیاست و صنعت در ایران» بر خود دارد، سعی کرده است پشت پرده تحولات صنعت نساجی را بازگو نماید. درباره مدیران نساجی شهر و نیز انعکاس فراز و فرودهای کارخانجات در میان هیأت دولت و سازمان برنامه اطلاعات دست اولی به دست می‌دهد.

در میان مدیران و تصمیم‌گیرندگان شهری، نصرالله سیف‌پور فاطمی، از کسانی است که خاطرات خود را به نام «آئینه عبرت» نگاشته و برای آیندگان برجای گذاشته است. نویسنده که در دوره رضاشاه در کالج اصفهان کار می‌کرد، نفوذی در شهر کسب کرد بود، آن قدر که در مجامع عمومی شرکت‌ها حضور می‌یافت و با مدیران شهری از جمله استانداران ارتباط نزدیکی داشت. دقیق‌ترین اطلاعات راجع به استانداران و دیگر مدیران شهری در دوره رضاشاه را در این کتاب می‌توان یافت.

«ژرد و ژرد» مجموعه خاطراتی است از رضا میرمحمد صادقی. این شخص در دوره رضاشاه ارتباط مستقیمی با کارخانجات نساجی نداشت، اما در دوره پهلوی دوم بنا به دستور ساواک داخل قضایای دستگیری حسین همدانیان شده و اطلاعات خوبی درباره این شخصیت به دست می‌دهد.

محمدعلی کاروان‌پور در اصفهان متولد شد و در دوره رضاشاه به مدت سه سال و نیم در کارخانه وطن مشغول کار گردید. مجموعه خاطراتی به نام «هشتاد سال فراز و نشیب دوران» که از او بر جای مانده است، در چند صفحه فضای کارخانه مذکور در دوران نظم و انضباط رضاشاهی را به تصویر کشیده است.

«خاطرات دوران سپری شده» مجموعه‌ای خاطرات و اسناد یوسف افتخاری، از نخستین فعالان کارگری ایران، است. وی از دوره رضاشاه فعالیت خود را در کارخانجات ایران آغاز کرد و در صنعت نفت جنوب و نیز کارخانجات نساجی آذربایجان مشغول کار گردید. از اتفاق او نیز به مانند شمس صدیقی از حزب توده جدا شده و تشکیلات دیگری راه اندازی نمود. تصاویری که او از نحوه برخورد دولت‌ها با جنبش کارگری ارائه داده است برای پژوهشگر جنبش کارگری اصفهان مفید فایده است.

نویسنده «مروری بر پنجاه سال تاریخ؛ خاطرات سیاسی و اجتماعی» از میان مدیران اصفهان در حوزه تحقیق حاضر، کسی که قلم بر گرفته و خاطرات خود را نوشته است عبدالحسین مسعود انصاری استاندار اصفهان در سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۶ / ۱۹۴۸ - ۱۹۴۷ م می‌باشد. نویسنده از رجال اداری دوره پهلوی دوم بود که در چندین استان، استاندار بوده و نیز چند بار به سفارت رفت. او در مهر ۱۳۲۶ به استانداری اصفهان منصوب شد و آن زمانی بود که جنبش کارگری و بحران مالی در کارخانجات به اوج خود رسیده بود. به اندازه‌ای که کارخانه پشمباف در زمان او تعطیل شد و استاندار به مسئولیت خود، دستور بازگشایی آن را داده و فعالیت‌هایی در برطرف کردن بحران‌ها انجام داد. این خاطرات از نگاه مدیری که برترین مقام استان بود، حائز اهمیت است.

۱-۸-۳. پژوهش‌های جدید

محمدعلی جمال‌زاده در زمان جنگ جهانی اول تحقیقی را راجع به اوضاع اقتصادی ایران در دوره قاجار به انجام رسانید که در واقع بیش از همه می‌خواست اثرات مخرب نفوذ اقتصادی انگلیس و روسیه را بر اقتصاد ایران نشان دهد. او کتاب را «گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم» نامید. این تحقیق علاوه بر ترسیم سیمای کلی اقتصاد ایران در آن روزگار، حاوی آمار و ارقامی از تجارت، تولید و دیگر جنبه‌های اقتصادی ایران است.

در سال ۱۳۲۹ / ۱۹۵۰ م در زمانی که کارخانه‌های اصفهان با بحران‌های شدید مواجه شده بودند، سازمان برنامه شخصی را به نام مهندس حسن عابدی برای مدیریت کارخانه نور و نظارت بر کارخانه ناهید روانه اصفهان کرد. این شخص بعدها عهده‌دار مقامات اقتصادی مهمی در استان اصفهان گردید که از آن جمله ریاست اداره اقتصاد ملی، مدیر کل وزارت اقتصاد ملی، نماینده سازمان برنامه، سرپرست اتاق بازرگانی، و از همه مهمتر رئیس هیأت نظارت صنعتی اصفهان بود. در فروردین سال ۱۳۳۴ / ۱۹۵۵ م مهندس حسن عابدی چکیده فعالیت‌ها و اوضاع اقتصادی و صنایع اصفهان را در کتابی گرد آورد که نام آن را «اصفهان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی» نامید. آمار و داده‌های کتاب مذکور به خاطر جایگاه و تخصص نویسنده دارای اعتبار زیادی است.

«ایران بین دو انقلاب» پژوهشی است از یرواند آبراهامیان که در اساس برای بررسی وضعیت حزب توده در مقطع زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی به نگارش در آمد. با این همه گستردگی موضوعات تحقیق شده به قدری است که می‌توان تصویری از جنبه‌های مختلف تاریخ ایران در این مقطع زمانی را دریافت. در این پایان نامه تحولات گروه‌های سیاسی در سطح کشوری از این کتاب دریافت شده است.